یادداشتهای تاج السلطنه دختر ناصر الدینشاه بقلم خود دختر ناصرالدین شاه

قاسمی، ابوالفضل

2 تاج السلطنه جزر و مد زندگی پرماجرای‏ خود را می‏نویسد نهایت با همه کوشش از پژوهشگران از آن اثری نبود.استاد رضازاده‏ شفق در این‏باره می‏نویسد:(خانم تاج السلطنه‏ کتابی در توصیف احوال دربار پدرش تألیف‏ نموده و در آن از سوابق و اسبابی که او را بدبخت نموده است نیز صحبت کرده اگر چنانچه این کتاب درخور شهرت آن نوشته‏ باشد البته از نقطه نظر تاریخ قیمت بزرگی‏ دارد و امید است وقتی چاپ گردد)

در گنجینهء خطی کتابخانه مرکزی‏ دانشگاه تهران زیر شماره 5741 این کتاب‏ باعنوان(تاریخ حالات ایام زندگانی خانم‏ تاج السلطنه)نظر مرا بخود جلب کرد این‏ یادداشتها در 86 برگ بزرگ است.در پایان‏ کتاب اصالت آن چنین یاد شده است(مصنف‏ این کتاب خانم تاج السلطنه صبیه مرحوم‏ مغفور ناصر الدین شاه که بنا بخواهش و حسب‏ فرمایش حضرت مستطاب اجل عالی آقای‏ میر محمد علی خان آزاد کابلی معاون محترم‏ سفارت جلیله دولت علیه افغانستان در تهران‏ (به تصویر صفحه مراجعه شود) تاج السلطنه‏ بقلم این حقیر رحمت اله داعی طالقانی ملازم سفارتخانه جلیله نقل و تحریر یافت.تهران‏ دهم جمادی الثانی 16 جدی 1303)این نسخه خطی را دانشگاه ضمن کتابهای استاد سعید نفیسی خریداری کرده است.ذ این اتو بیوگرافی را که این ببعد خواهید خواند بجهاتی دارای ارزش ویژه‏ است: 1-نویسنده یادداشتها خود دختر ناصر الدین شاه می‏بود در دربار زائیده و بزرگ شده و شوهر کرده است بنابراین بیشتر آگاهی از دربار قاجار و حرمسرایان پدر داشت و چون خود نیز مخالف با آنچه بود که در دستگاه پدرش می‏گذشت تا حدی با بی‏پردگی اوضاع‏ محیط سیاسی روز را شرح داده است.

2-از ویژگی‏های این یادداشتها شرح بعضی از رویدادهای سیاسی آنروز،قرار داد رژی،فعالیت سید جمال الدین اسدآبادی،قتل ناصر الدین شاه و سلطنت مظفر الدین شاه و شناسائی شاه و ولیعهد و صدراعظم و بعضی از رجال بوده است.

در این یادداشتها از مفاسد دستگاه و دزدی و غارت خزانه دولت و پس از قتل‏ ناصر الدین شاه چنگیزوار غارت اشیاء و جواهرات سلطنتی بوسیله درباریان در ن زمان‏ سخن رفته است.

3-این یادداشتها از لحاظ کاوش روانی و فکری در نوع خود جالب است.سر- گذشت حاکیست که تاج السلطنه زنی اهل مطالعه و کتاب آشنا به ادبیات و تاریخ آزادی باختر، دارای ذوق شعر و موسیقی بوده است در آغاز زنی عفیف پای‏بند اصول خانوادگی،معتقد به مبانی اسلامی بوده است ولی شوهر او تمام این ارزشها را بهم می‏ریزد از او زنی بلهوس‏ و خوشگذران وبی بند و بار می‏سازد او در این یادداشتها خود را طرفدار اصول مشروطیت و تجدد و آزادی نسوان و مخالف نظام سیاسی فردی و لایه‏های آلوده اشرف نشان می‏دهد و شاید از نسخت زنان انگشت‏شمار بوده است که بی‏حجاب در مجالس و اجتماعات دیده می‏شده‏ است.

4-آنهائی که ثروت و حشمت را پشتوانه نیکبختی و بهروزی در زندگی می‏دانند این اتو بیو گرافی نشان می‏دهد با اینکه تاج السلطنه غرق در ناز و نعمت،مکنت و شوکت‏ می‏بود دختر قوی‏ترین پادشاه قاجار زن رجلی ثروتمند و صاحب مقام و منصب و دارای وجاهت‏ شگفت‏آور بود ولی بقدری از محیط آلوده و فاسد اشرافی دچار حرمان و یأس می‏گردد که سه بار دست به انتحار می‏زند.

انگیزه نگارش زندگینامه

ابولفضل قاسمی‏ تاریخ حالات ایام زندگانی خانم تاج السلطنه که به خط خودشان بقید تحریر در آورده‏اند و از روی اصل نسخه استنساخ می‏شود مورخه یوم دوشنبه 19 ربیع الثانی 1343 هجری مطابق 35 عقرب شمسی 1303(خانم مزبور دختر ناصر الدین شاه قاجار است)

\*\*\* در شب پنجشنبه سلخ ربیع الاول 1332(7 دلو)یک عصری که هوا ابر و تیره و مانند افکار و خیالات خودم محزون و غمدیده بود در اطاق نیمه‏روشنی نشسته و مشغول نقاشی‏ بودم برف بشدت می‏بارید و هیچ صدائی جز وزش باد مسموع نمی‏شد.سمت و سکوت غمناکی‏ سراپای وجود را احاطه نموده و بر او افزوده نمود روشنائی قرمز رنگ ملایمی که از بخاری ساطع و لامع بود من تصور نمی‏کردم و فراموش کرده بودم جوان غمناکی که در پشت سر من در صندلی دسته‏داری فرورفته و با یک نظر شفقت‏آمیز ملاطفت‏انگیزی بی‏اراده...

که بروی صورت دختر جوانی که مشغول کشیدن نقاشی بوده نگاه کرده مکرر آههای پی‏ درپی سوزانی می‏کشید بالاخره گفت:شما خیلی زحمت می‏کشید و مغز خودتان را زحمت‏ می‏دهید.خوب است یکقدری استراحت کنید و هوا هم تیره نقاشی عجالتا قدری مشکل است. از این صدائی که هیچ منتظر شنیدن نبودم و خود را تنها تصور می‏کردم و یک حرکت سریع‏ شدیدی در من تولید و یک‏مرتبه گفتم آه(سلیمان)آیا شما اینجا بودید.خنده غریبی کرد و گفت شما بواسطه خیالات درهم و بر هم و ناملایمی که دارید همیشه اشخاص حاضر حتی خودتان‏ را فراموش می‏کنید و من بالاخره از زیادتی فکر بر شما می‏ترسم.خوب است هروقتی که‏ گمان می‏کنید فکر خواهید کرد فورا خود را بحرفهای مفرح و گردش در خارج و دیدن‏ طبیعیات مشغول کرده از اخبار تاریخ گذشته بخوانید.با یک تبسم تلخی بیخودانه فریاد زده‏ گفتم:

آه ای معلم و پسرعمه عزیزم در حالتی که زمان گذشته من و زمان حال من یک تاریخ‏ حیرت‏انگیز و ملال خیزی است.شما تصور می‏کنید من بتاریخ دیگری مشغول بشوم آیا مرور شخص بتاریخ بهترین اشتغال‏ها در عالم نیست؟

شانه خود را حرکت داده گفت آه تاریخی را که تمام خوب و بد نتایج تجربه‏اش‏ بشخص خود انسان را جمع باشد1

-من تاریخ نمی‏دانم حقیقتا اگر تاریخ شما آنقدر عجیب و حیرت‏انگیز است‏ چرا آن را(بریا من‏2)قصه نمی‏کنید تا استفاده کرده فایده برم؟

گفتم تاریخ من بقدری مهم و بقدری دارای وقایع مشکله است که اگر یک سال تمام‏ ساعات عمرم برای شما حکایت کنم هنوز تمام نخواهد شد و بقدری گاهی محزون و گاهی مسرور است که اسباب تعجب شنونده خواهد شد...با یک حال تجسس و کنجکاوی گفت به به واقع‏ مطایبه یا شوخی می‏کنید ولی فورا یک علائم راستی و جدیتی در بشر من ملاحظه نمود که در آن حال شوخی و استهزاء را فراموش کرده متفکرانه گفت:آه جانم آیا امکان دارد شما برای من شرح حال خود را نقل کنید؟...گفتم خیر...بطور رجا و درخواست خواهش کرد و با کمال جدیت از من خواست که برای ایشان بگویم و هرچه من امتناع نمودم او اصرار کرد بالاخره گفتم حال تقریر ندارم لیکن بشما قول می‏دهم که تمام سرگذشت تاریخ خود را برای‏ شما تحریر کنم...با کمال مسرت و تشکر گفت:

لیکن اینجا لازم می‏دانم اول از این معلم خود بعضی قصه‏ها گفته خوب ایشان را معرفی کنم پس از آن شروع بحکایت نمایم.

این جوان تولد شده است در 11 محرم 1307 در مدرسه‏های مقدماتی مشغول‏ تحصیل شده در سن 17 سالگی در 1324 داخل انجمن فقر و عرفان شده قریب دو سه سال در ریاضت زحمت پیروی عرفا و شعرا نموده بعد به مدرسه سیاسی داخل شده از آنجا هم خیلی‏ (1)-در اینجا دنباله مطالب بی‏هیچ نقطه‏گذاری ادامه می‏یابد ولی پیداست مخاطب‏ فرق می‏کند.

(2)-در اصل(بمن)